

# ماده ۲۵ منشور ملل متحد وقلمرو شمول آن\*

□□ تألیف: Erik Suy استاد دانشکده حقوق لوون [Louvain]

\* ترجمه شده از کتاب: la Charte des Nations Unies [l'article 25]

■ ■ ترجمه: مرتضی مختاری امین

ماده ۲۵: اعضای ملل متحد موافقت می کنند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور بپذیرند و اجرا کنند.

بلاژیک پیشنهاد کرده بود که قلمرو شمول ماده ۲۵ به آن دسته از تصمیمات شورای امنیت محدود گردد که براساس فصلهای پنجم، ششم و هفتم اتخاذ می شود. اما این پیشنهاد رد شد. این امر نشان می دهد که از دید نویسندگان منشور، شورای امنیت از اختیارات وسیعی برای اتخاذ تصمیمات الزام آور برخوردار بوده است. اگر این ماده در پرتو فصلهای مذکور مورد بررسی قرار گیرد، به خوبی آشکار می شود که کلمه «تصمیمات» نمی تواند تنها شامل تصمیمات مذکور در فصل هفتم منشور باشد. عملکرد شورای امنیت نیز این دیدگاه را تأیید می کند، هر چند شورا عموماً از تعیین اینکه تحت عنوان کدامین فصل منشور انجام وظیفه می کند، صریحاً اجتناب می ورزد. یادآور می شود که در سال ۱۹۴۷ دبیرکل اعلام کرده بود: «اختیارات شورای امنیت که از ماده ۲۴ ناشی می شود، محدود به موارد خاص مندرج در فصلهای شش، هفت، هشت و دوازده منشور نیست.

ماده ۲۵ منشور ملل متحد که یکی از کوتاه ترین مواد آن نیز هست، بدون تردید از سوی نویسندگان منشور به عنوان ماده ای کلیدی در نظام امنیت بین المللی در نظر گرفته شده بود تا از طریق آن نقش برتری را برای شورای امنیت تأمین کنند. در واقع اگر با وضع ماده ۲۴ منشور، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی به شورای امنیت سپرده شده، کاملاً منطقی است که هرگاه شورا در این زمینه به نام تمامی اعضای سازمان تصمیمی بگیرد، اعضای سازمان در همان هنگام این تصمیمات را بپذیرند و بدان پیوندند. نتیجه منطقی آنکه کلیه اعضای سازمان به شرط تصویب منشور پیامدهای آن را پذیرفته و برای استقرار صلح و امنیت بین المللی حق اتخاذ تصمیم را به شورای امنیت واگذار می کنند. متن ماده ۲۵ و بویژه اصطلاح «تصمیمات» منشأ بروز مباحثات و اختلافاتی شده است. به هنگام کنفرانس سانفرانسیسکو، نمایندگی

بودند. در جریان مذاکرات، شورای امنیت به بند ۶ ماده ۲ منشور و نیز به ویژگی الزام آور قطعنامه برای دولتهای غیر عضو اشاره کرد، لیکن مذاکرات در ماهیت نبود. رفتار دولتهای غیر عضو همچون آلمان شرقی [سابق] و سوئیس، نشان داد که آنها حتی اگر مقررات اصلی را نیز اجرا می کردند، بر اساس قطعنامه بعنوان متفق نگریسته نمی شدند.

دامنه شمول تعهدات پیش بینی شده در ماده ۲۵ منشور ملل متحد موجب شده تا مذاکرات بسیاری در قضایای گوناگون بویژه در مورد وضعیت سرزمین آزادتریت،<sup>۲</sup> حوادث رخ داده در طول مرز یونان، قضیه اندونزی و قضیه فلسطین،<sup>۳</sup> به وجود آید. در همین زمینه اسرائیل از مصر به دلیل عدم رعایت قطعنامه شورای امنیت مصوب یکم سپتامبر ۱۹۵۱ و بویژه ایجاد موانع کشتیرانی در کانال سوئز، شکایت نمود. مصر نیز ماده ۲۵ منشور را که اسرائیل بدان استناد می کرد، در این مورد وارد ندانسته و به نوبه خود خواستار اعمال ماده ۵۱ منشور بود. قضیه بسیار جالب دیگر در این زمینه، قضیه تنگه کرفو است. بریتانیا در شورای امنیت پیشنهاد کرده بود که دو طرف دعوی یعنی آلبانی و بریتانیا به دیوان بین المللی دادگستری مراجعه کنند. همچنین این مسأله مطرح شده بود که آیا ماده ۲۵ به توصیه شورا بر اساس ماده ۳۶ می تواند به اجرا درآید؟ پس از قطعنامه شورا، بریتانیا به دیوان رجوع نمود و درخواست خود به ماده ۲۵ استناد کرد. آلبانی نسبت به این تفسیر از ماده مذکور اعتراض و تأکید نمود که این ماده جز با تصمیم شورای امنیت و نیز در چارچوب فصل هفتم منشور قابل اجرا نیست. در پایان، دیوان در حکم خود [۲۵ مارس ۱۹۴۸] در این مورد خاص موضعگیری نکرد و بر قبول ارادی و داوطلبانه آلبانی برای رجوع به دیوان تأکید ورزید. اما در نظریه مخالفی که توسط هفت تن از قاضیان دیوان<sup>۴</sup> انشا گردید، دلایل بریتانیا که برحسب آن توصیه شورا مطابق با ماده ۳۶ بند ۳، می تواند موجب صلاحیت دیوان باشد، مردود اعلام شد. در نهایت، ماده ۲۵ در تعداد زیادی از مذاکرات شورای امنیت مطرح گردیده است: قضیه فلسطین، دعوای میان هند و پاکستان در مورد کشمیر، شکایت تونس در زمینه مسأله آپارتاید و سرزمینهای تحت سلطه پرتغال از آن جمله اند. تعدادی قطعنامه و نیز طرح قطعنامه هایی که تصویب نشده یا به رأی گیری نرسیده، در بردارنده مقرراتی است که می تواند بعنوان مرجع ضمنی ماده ۲۵ مورد لحاظ قرار گیرد.

سرانجام در سال ۱۹۶۶ شورای امنیت صریحاً از ماده مزبور در يك قطعنامه یاد کرد: قطعنامه ۲۳۲ در بند ۶ «از کلیه دولتهای عضو سازمان ملل اجرای تصمیم مذکور را برطبق ماده ۲۵ خواستار بود». استناد آشکار به ماده مزبور در قطعنامه های بعدی مربوط به رودزیا بویژه قطعنامه های ۲۹/۲۵۳، ۲۹ مه ۱۹۶۸، ۱۸/۲۷۷، ۱۸ مارس ۱۹۷۰، ۱۷/۲۸۸، نوامبر ۱۹۷۰ و ۲۸/۳۱۴ فوریه ۱۹۷۲ نیز دیده می شود. قطعنامه اخیرالذکر «از کلیه دولتها اجرای کامل تمامی قطعنامه های شورای امنیت ناظر بر تحریم رودزیا جنوبی را مطابق با تعهداتشان بر اساس ماده ۲۵ و بند ۶ از ماده ۲ منشور خواستار بود». قطعنامه های مربوط به نامیبیا [۱۲/۲۶۹ اوت ۱۹۶۹] و گینه [۸/۲۹۰ دسامبر ۱۹۷۰] نیز از آن گونه قطعنامه هایی است که حاوی اشارات صریحی به ماده ۲۵ است. بدین ترتیب شورا بطور یکسان دولتهای عضو و غیر عضو را مورد خطاب قرار می دهد. یادآوری می شود که در واقع این هند بود که مسأله دولتهای غیر عضو را مطرح کرده بود، حال آنکه فرانسه به يك تفسیر محدود در زمینه ماده ۲۵، که آنها هم مربوط به قطعنامه های الزام آور فصل هفتم می شد، اکتفا می کرد.

اعضای ملل متحد متناسب با مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی اختیارات لازم را به شورای امنیت تفویض کرده اند. از طرفی، محدودیتهای وارد به اختیارات شورای امنیت در رعایت اصول و اهداف بنیادین منشور که در فصل یکم گنجانده شده، خلاصه می گردد.»

ماده ۲۵ در عمل زمینه ای برای مباحثه و مجادله ایجاد کرده، در حالی که خود همچنان در هاله ای از ابهام باقی مانده است. در نخستین سالهای تأسیس سازمان ملل، در مذاکرات شورای امنیت غالباً به ماده مذکور استناد می شد و اخیراً نیز در مباحثات و مذاکرات مجمع عمومی مورد استناد قرار گرفته است. ولی رویه عملی در این زمینه یکسان و یکنواخت نیست و بنابراین بیش از آنکه پاسخی همراه داشته باشد پرسش برانگیز است.

درخصوص این موضوع دو تفسیر افراطی مطرح شده است: در تفسیر گسترده، شورای امنیت بر اساس ماده ۲۵ می تواند تصمیمات گوناگون الزام آوری، چه در راستای اجرای وظایف و اختیارات عمومی و چه در راستای وظایف و اختیارات ویژه اش بگیرد. برعکس در تفسیر محدود، ماده ۲۵ تنها ناظر بر تصمیمات اتخاذ شده به موجب فصل هفتم منشور است که زمینه اختلافی را در بر ندارد. سوابقی که در «مجموعه عملکردهای ارگانهای سازمان ملل» یا در «مجموعه عملکردهای شورای امنیت» آورده شده، قاطع و اقناع کننده نیست.<sup>۱</sup> موضوع گسترش تعهدات پیش بینی شده برای دولتهای عضو سازمان ملل در ماده ۲۵ و نیز امکان اجرای این ماده برای دولتهای غیر عضو مطرح شده است. بدین جهت بود که در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۴۶ شورای امنیت مطابق بند دوم ماده ۹۳ به مجمع عمومی توصیه کرد که باید طبق ماده ۹۴ از دولت سوئیس برای قبول کلیه تعهدات يك عضو سازمان ملل متحد دعوت به عمل آید تا این کشور بتواند به عضویت اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری درآید. شورای امنیت همچنین گزارش کمیته کارشناسان خود را مبنی بر آنکه تعهدات اعضای سازمان به ترتیبی که از ماده ۹۴ منتج می شود، در مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور نیز پیش بینی شده، به تصویب رسانده است. پس از چندی قضیه دیگری نزد شورای امنیت مطرح شد که تصمیم شورا در مورد آن بسیار مبهم بود. موضوع عبارت بود از شرکت دو دولت غیر عضو در آن زمان - آلبانی و بلغارستان - در مذاکرات مربوطه بر اساس ماده ۳۵ منشور. مذاکرات در مورد دامنه شمول تعهداتی بود که دولتها باید قبول می کردند و نیز راجع به این نکته که آیا این تعهدات نسبت به ماده ۲۵ نیز گسترش می یابد؟ در پایان مذاکرات، در تصمیم شورا به ماده مذکور اشاره ای نشده بود.

موضوع اجرای ماده ۲۵ نسبت به دولتهای غیر عضو سازمان ملل در دو مناسبت مطرح گردید: اول در مورد قضیه کنگو در سال ۱۹۶۰ و دیگری درباره قضیه رودزیا در سال ۱۹۶۶. در چهارم اوت ۱۹۶۰ دبیرکل نامه ای برای موسی چومبه رئیس دولت ایالتی کاتانگا ارسال داشت که در آن بویژه اعلام شده بود که تعهدات ناشی از ماده های ۴۹ و ۲۵ منشور به گونه یکسان نسبت به دولتها از جمله جمهوری کنگو اعمال شده و جواز آن برای سازمان ملل نیز توصیه شورای امنیت بوده است. این توصیه در ۷ ژوئیه ۱۹۶۰ به عمل آمد در حالی که کنگو در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۰ در سازمان ملل پذیرفته شد. اما درخصوص قطعنامه ۱۶/۲۳۲ دسامبر ۱۹۶۶ که تحریمهای الزام آوری را به رودزیا تحمیل می نمود، در بند ۷ آن قطعنامه، دولتهای غیر عضو مورد نظر قرار گرفته

اقدامش، خودداری می‌ورزد.

اما در زمینه اصطلاحات بکار رفته در قطعنامه‌ها، باید گفت که این اصطلاحات متنوع و متغیر است: از اصطلاحاتی که شورا خواسته است در قالب آنها به قطعنامه‌هایش ویژگی تشویق آمیز بدهد [مانند demande, prie] تا اصطلاحاتی که این امکان را می‌دهد که از آنها يك دستور رسمی نتیجه‌گیری شود [décide]. حتی این تصمیمات نیز همیشه دارای ویژگی عام و جاری نسبت به همگان «erga omnes» نیست. برای مثال، تصمیمات مربوط به استقرار نیروهای سازمان ملل یا تمدید مأموریت آنها، تصمیمات مربوط به ایجاد يك ارگان فرعی و تصمیماتی که شورا بوسیله آن از دیوان تقاضای رأی مشورتی می‌کند، این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. بعلاوه، مذاکرات قبل از تصویب يك قطعنامه معمولاً این امکان را نمی‌دهد که بتوان در زمینه ویژگی الزامی يك قطعنامه نظر روشنی به دست آورد.

به منظور تشریح این موضوع می‌توان قطعنامه شماره ۱۳/۵۵۸ دسامبر ۱۹۸۴ را که درخصوص واردات تجهیزات نظامی ساخته شده در آفریقای جنوبی است، تحلیل نمود. در ابتدا شورا در این زمینه قطعنامه ۴۱۸ [۱۹۷۷] را که تحریمی الزامی<sup>۷</sup> را درخصوص تحویل سلاح به آفریقای جنوبی تحمیل می‌کرد... تصمیمی که در نتیجه آن آفریقای جنوبی می‌بایست توانایی ساخت تسلیحاتش را گسترش می‌داد... مطرح ساخته و بیان می‌دارد: «با ملاحظه اینکه هیچ دولتی نباید با خرید تسلیحات ساخته شده در آفریقای جنوبی به توانایی تولید سلاح این کشور کمک نماید»، شورا «از کلیه دولت‌ها می‌خواهد که از واردات سلاح، مهمات از هر نوع و وسایل حمل و نقل نظامی ساخته شده در آفریقای جنوبی خودداری نمایند». بعلاوه، شورا «از کلیه دولت‌ها و از جمله دولت‌های غیر عضو سازمان ملل متحد می‌خواهد که دقیقاً از مفاد قطعنامه حاضر پیروی کنند».

هدف این قطعنامه عبارت بود از تقویت تحریم الزامی پیش گفته و افزایش تأثیر آن. نماینده هلند - مبتکر این طرح - قبل از تصویب آن به اتفاق آرا، گفته بود که طرح قطعنامه «هرچند از ویژگی الزامی برخوردار نیست، لیکن پیشرفت محسوسی را دربردارد».<sup>۸</sup> نماینده انگلستان نیز پس از تصویب «از يك قطعنامه غیر الزامی» سخن گفته بود. در مقابل، نمایندگان هند و شوروی و پاکستان عقیده داشتند که قطعنامه مذکور مکمل تصمیم اتخاذ شده در سال ۱۹۷۷ بوده است. این گروه از اینکه اندیشه ممنوعیت تجهیزات نظامی، «شکل قطعی يك قطعنامه الزام آور را به خود گرفته است» اظهار خرسندی نمود. این مثال اخیر روشن می‌سازد که عملکرد چهل ساله، با وجود روشن‌گرایی‌هایی که بوسیله دیوان بین‌المللی دادگستری انجام شده، توانایی حل قطعی این مسأله را که چه قطعنامه‌هایی از شورای امنیت برای دولت‌های عضو الزام آور است، نداشته است. با وجود منطق و صراحت بیان ماده ۲۵، این ماده همچنان مبهم است و مبهم خواهد ماند.

عبارت «برطبق این منشور» مندرج در ماده مذکور نیز موضوع دیگری است که درباره آن تفسیرهای مختلفی وجود دارد. در رأی پیشین، دیوان بیان کرده بود که تصمیمات الزام آور تصمیماتی است که شورای امنیت برطبق منشور تصویب می‌کند. این به نظر بدیهی است. اما متن ماده ۲۵ ترجیحاً بیانگر قبول و اجرای تصمیمات الزامی توسط دولت‌های عضو است که بایستی برطبق منشور انجام گیرد. اینجاست که مقررات ماده ۱۰۳ منشور مطرح می‌شود که برحسب آن، تعهدات منشور

مسئلاً هنگامی که قطعنامه‌ها حاوی اشارات صریحی به ماده ۲۵ باشد، یا هرگاه در برابر يك تصمیم الزامی که صریحاً براساس فصل هفتم منشور اتخاذ شده باشد قرار بگیریم، مسایل و مشکلات ظریفی مطرح نمی‌شود. اما در مقابل، قطعنامه‌هایی که به ماده مذکور اشاره‌ای ندارد یا به فصل هفتم صریحاً استناد نمی‌کند، افزون برآنکه از نظر تعداد بیشتر از دیگر قطعنامه‌هاست، مباحثات و مذاکرات بسیار شدیدی را نیز مطرح کرده است. تنها در رأی مشورتی ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ درخصوص پیامدهای حقوقی حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا باوجود قطعنامه ۲۷۹ [۱۹۷۰] شورای امنیت بود که دیوان بین‌المللی دادگستری دامنه شمول ماده ۲۵ را روشنتر نمود و بویژه راجع به این مسأله که آیا ماده مذکور تنها ناظر بر اقدامات قهری موضوع فصل هفتم منشور است یا نه، دیوان چنین نتیجه گرفت که: «در منشور هیچ نکته‌ای وجود ندارد که این تصور را تأیید کند. ماده مزبور برهمه تصمیمات شورای امنیت که برطبق منشور اتخاذ شده، ناظر می‌گردد. بعلاوه، این ماده نه تنها در فصل هفتم منشور واقع نشده بلکه بدون فاصله پس از ماده ۲۴ درفصلی که مربوط به وظایف و اختیارات شورای امنیت بوده، قرار گرفته است. اگر ماده ۲۵ فقط تصمیمات شورای امنیت را در زمینه اقدامات قهری اتخاذ شده برطبق ماده‌های ۴۱ و ۴۲ منشور مدنظر قرار می‌داد و به عبارت دیگر اگر تنها این تصمیمات آثار الزام آور می‌داشت، ماده ۲۵ زائد بود زیرا این گونه آثار از مواد ۴۹ و ۴۸ منشور حاصل می‌شود».<sup>۹</sup>

چنین به نظر می‌رسد که تمایز «تصمیمات» و «توصیه‌ها»<sup>۱۰</sup> به تدریج درحال از میان رفتن است. با این همه، باید خاطر نشان ساخت که نظر دیوان درخصوص این موضوع، بوسیله قاضی Petren و قاضی Onyeama در نظرات شخصی‌شان تأیید نگردیده است. قاضی Dillard نیز به نوبه خود تأکید می‌کند که: «استناد دیوان به مواد ۲۴ و ۲۵ در این نظر مشورتی بدان دلیل نیست که اختیارات وسیعتری را با ویژگی تقنینی یا شبه تقنینی برای سازمان ملل به رسمیت بشناسد».

قاضی Gros و قاضی سرجرالد فیتس موریس بیان داشته اند که: «اگر يك تصمیم، خود دارای ویژگی الزامی مطابق با فصل یا ماده مربوطه منشور نباشد، ماده ۲۵ نمی‌تواند بدان ویژگی الزامی ببخشد. و نیز تنها استناد جستن به ماده مزبور، برای تبدیل يك قطعنامه به يك تصمیم الزام آور، کافی نخواهد بود».<sup>۱۱</sup> بنابراین، در مورد دامنه شمول ماده ۲۵، اتفاق آرا در دیوان محقق نشده، لیکن رأی ۱۹۷۱ مذکور بعداً مورد استناد قرار گرفته است. در این خصوص که چه تصمیماتی از شورا واقعاً الزام آور است، دیوان در رأی پیش گفته عقیده دارد که باید با دقت چگونگی نگارش قطعنامه شورای امنیت را قبل از نتیجه‌گیری آثار الزامی، تحلیل نمود. بنابراین لازم است که شورا اراده اتخاذ تصمیمات الزام آور را داشته باشد. به منظور اثبات این اراده، دیوان به عبارات قطعنامه و به مذاکرات قبل از تصویب و به «مقررات استناد شده منشور» و بطور کلی به تمامی عواملی که می‌تواند به روشن شدن پیامدهای حقوقی قطعنامه شورای امنیت کمک کند، ارجاع می‌دهد. در مطلب بالا آنچه که مایه شگفتی بوده عبارت از ارجاع به «مقررات استناد شده منشور» است، حال آنکه قبلاً به نظر می‌رسید که دیوان برای شورای امنیت اختیارات تصمیم‌گیری بیشتری را به رسمیت شناخته است. در هر حال شورای امنیت عموماً و از روی قصد از استناد جستن به يك فصل معین یا يك ماده خاص منشور برای توجیه و مستند نمودن

در برمی گیرد. با وجود این، همه دولتهای عضو باید تصمیمات الزام آور شورای امنیت را از قبیل تصمیمات اتخاذ شده در زمینه مجازاتها رعایت نمایند.

از طرفی اراده شورای امنیت در اتخاذ تصمیمات الزام آور بستگی به چگونگی نگارش متن و مقتضیات تصویب آن دارد. اگر شورا با استناد صریح به فصل هفتم منشور تصمیمی بگیرد، اماره ای به نفع ویژگی الزامی قطعنامه وجود دارد. بنابراین تکیه کردن بر روشی که متن قطعنامه مطابق آن نگارش یافته و نیز مراجعه به کارهای مقدماتی پیش از تصویب آن، امری ضروری است.

و سرانجام، در عمل همچنان ابهام زیادی در زمینه قلمرو دقیق شمول ماده ۲۵ وجود دارد.

\*\*\*

●● زیر نویس ها:

1. le Répertoire de la pratique suivie par les organes des Nation Unies.  
- le Répertoire de la pratique du Conseil de sécurité.

2. le statut du Territoire libre de Trieste.

۳. نام آن عبارت بود از:

Basdevant, Alvarez, Winiarski, Zoricic, De Visscher, Badawi, Krylov.

4. CIJ, Recueil, 1971, p. 53.

5. les recommandations.

6. CIJ, Recueil, 1971, pp. 136, 147, 292, 294, 340.

Embargo (این کلمه در معنای اول توقیف کشتی و در معنای دوم عبارت از تحریم صدور برخی کالاها بویژه تسلیحات به دولتهای در حال جنگ یا دولتی که متهم به عمل تجاوز است، می باشد.)

8. S/pv. 2564,6.

9. A/AC. 131/134- 1984.

بر کلیه تعهدات بین المللی دیگر برتری دارد. در نتیجه، ماده ۲۵ نه تنها باید در پرتو ماده ۲۴ تفسیر شود بلکه مفاد ماده ۱۰۳ نیز که به برتری منشور نسبت به دیگر تعهدات بین المللی دولتها اختصاص داشته، باید رعایت گردد. ارتباط میان مواد ۲۵ و ۱۰۳ بوسیله شورای ملل متحد برای نامیبیا، یادآوری شده است. هیأت نمایندگی این شورا که در ژانویه ۱۹۸۴ به اروپا عزیمت کرده بود، بهنگام مذاکرات خود با دولت هلند، مسأله اورانیوم نامیبیا را - که برخلاف قطعنامه های سازمان ملل و فرمان شماره یک در خصوص منابع طبیعی نامیبیا - با کارخانه غنی سازی اورانیوم Urenco معامله شده بود، مطرح کرد. دولت هلند چنین نتیجه گرفته بود که به انجام معامله اورانیومی که بر اساس معاهده AMELO برای آن دولت فرستاده شده، ناگزیر بوده است. و نیز بر اساس ماده های ۲۵ و ۱۰۳ منشور پاسخ داده بود که در صورت تعارض میان تعهدات ناشی از منشور و دیگر تعهداتشان بر طبق سایر اسناد بین المللی، تعهدات ناشی از منشور بایستی برتری داشته باشند.<sup>۱</sup>

### نتیجه

هدف مسلم ماده ۲۵ عبارت است از به اجرا گذاشتن تعهدات دولتهای عضو در «سپردن مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی به شورای امنیت» باتوافق به این که «شورای امنیت بنام آنها عمل نماید.» [ماده ۲۴]. این امر در نخستین وهله ایجاب می کند که دولتهای طرف یک اختلاف در پذیرش کلیه تصمیمات شورای امنیت نسبت به آن اختلاف ناگزیر باشند.

مسأله ویژگی الزام آور اینگونه تصمیمات نسبت به دولتهای ثالث نیز مطرح نمی شود، زیرا شمول این تصمیمات تنها طرفین اختلاف را

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی